



اسکندر مومنی: آسیب‌های اجتماعی نگران کننده شده است

چهارمین روز رای اعتماد به کابینه پیشنهادی دولت چهاردهم روز گذشته در مجلس برگزار شد و در این جلسه برخی از وزرای پیشنهادی از جمله اسکندر مومنی برای وزارت کشور برنامه‌های خود را ارائه کردند. کمیسرین عمران نیز اعلام کرد که صلاحیت مومنی برای تصدی مقام عالی وزارت کشور را تأیید می‌کند.

انستاد مرزها در اولویت

مومنی، وزیر پیشنهادی کشوری در بخشی از ارائه برنامه‌ها و دفاع از خود، گفت: «معیار در انتصاب‌ها براساس لیاقت، کاردانی، تعهد، پاک‌دستی، خردمندی و کارآمدی خواهد بود. تأمین امنیت عمومی و افزایش مشارکت عمومی از وظایف مهم وزارت کشور است که در راستای تحقق آن تلاش کرده و برنامه‌های خود را اجرا خواهیم کرد. با استفاده از توانمندی نخبگان فرصت‌سازی کرده و فرصت‌های جدید برای رسیدن به آرمان‌ها خلق کنیم، بنابراین ما باید با شناخت استعدادها به اهداف خود جامه عمل بپوشانیم. از هر کس به تناسب استعداد و توانایی خاص او استفاده شود و حتی احساس تبعیض نیز از بین برود.» او افزود: «فکر می‌کنم بخش دیگری از مسئولیت‌های وزارت کشور که با دستگاه‌های دیگر مشترک است، پیگیری و ترمیم آسیب‌های اجتماعی است که متأسفانه در برخی موارد نگران کننده شده که با اجرای تکالیف قانونی برنامه هفتم توسعه و تدوین اساسنامه و تقویت سازمان امور اجتماعی کشور، پیگیری این موضوعات را با اقدامات مؤثر سرعت خواهیم داد. یکی دیگر از اولویت‌های کاری بنده پیگیری ارتقاء امنیت مرزها و مدیریت و ساماندهی حضور اتباع خارجی در کشور و جلوگیری از ورود غیرقانونی آنها از طریق اجرای تکلیف قانونی برنامه هفتم مبتنی بر تشکیل سازمان ملی مهاجرت جهت سازماندهی و نظم‌دهی به این امر مهم و همچنین انستاد مرزها و همکاری‌های دویا چندجانبه با کشورهای همسایه است.»

سخنان مخالفان اسکندر مومنی

مصطفی پوردهقان اردکان، نماینده اردکان: «به واسطه حضور دولت‌های مختلف و ذبح سیاسی، نیروهای متخصص و توانمند در وزارت کشور به گوشه‌ای سوق داده شدند و در فرمانداری‌ها و بخش‌های سال‌ها خود را می‌گذرانند و به واسطه نگاه‌های سیاسی افراد متخصص حذف شده‌اند. برخی از استاندارانی که در بعضی از استان‌ها منصوب شده‌اند و طی سالیان گذشته مشغول به کار بوده‌اند، افرادی بودند که با نردبان‌های سیاسی رشد کرده‌اند و افرادی بودند که با شریک و پوست در ستاندها به مسئولیت رسیده‌اند و سرمایه‌های اجتماعی ما را از بین بردند.» محمد باقری، نماینده بناب: «آقای مومنی تجربه و علم لازم را برای مدیریت وزارت کشور ندارد. به واقع وزیر کشور باید تجربه و علم کافی را داشته باشد بنابراین فردی که نه علم و نه تجربه لازم را دارد نباید در وزارت کشور به کار گرفته شود. باید مشخص شود که آقای مومنی چه تضمینی خواهند داد که به طور اتوبوسی نیروها از جای دیگری به وزارت کشور وارد نشود لذا ما می‌ترسیم این روند‌ها در وزارت کشور ادامه پیدا کند.» محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی در واکنش به اظهارات نماینده بناب درباره علم به کارگیری نیروهای نظامی در مناصب و دخالت در امر سیاست گفت: «هیچ مغایرتی با قانون اساسی و قوانین جاری کشور برای به کارگیری نیروهای نظامی در بخش‌های دولتی وجود ندارد.»

سخنان موافقان اسکندر مومنی

سیدحسن هاشمی، نماینده بیرجند: «مومنی در تمامی این ویژگی‌هایی که رهبر انقلاب برای وزرا به آن اشاره کردند سرآمد است. نگاهی به سوابق ایشان بیانگر تدین و اعتقاد واقعی به نظام جمهوری اسلامی است.» نصرالله پژمانفر، نماینده مشهد: «وزیر کشور کوچک‌شده یک رئیس جمهور است، کسب نشان درجه یک خدمت برای کاهش تلفات جاده‌ای و برنامه‌ریزی برای به کارگیری افراد فارغ از گرایش‌های سیاسی در این وزارتخانه از ویژگی‌های مطلوب وزیر پیشنهادی کشور است.» نماینده مردم همدان و قامنین: «رویکرد اجتماعی سردار مومنی بر تجربه سیاسی‌اش غلبه دارد. کارنامه سردار مومنی دو نکته مهم دارد، ابتدا اینکه این فرد برای جان انسان‌ها اهمیت قائل بوده و در چنین شرایطی دلیل ندارد به دنبال افرادی باشیم که کارنامه درستی ندارند و نکته دوم اینکه او فردی موفق بوده که در هر سمتی به خوبی عمل کرده است.»

گفتار اندیشمند



جلسه محمدرضا عارف و جنبه اصلاحات، عکس: President

گفتاری از محمد جواد کاشی درباره نوسازی گفتمان اصلاح طلبی

گفتمان اصلاح طلبی کم‌جان، اما زنده



منصوره محمدی
خبرنگار گروه سیاست

«نوسازی گفتمان اصلاح طلبی» موضوع نشست بود که دفتر سیاسی انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها با سخنرانی محمدجواد غلامرضا کاشی، استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی برگزار کرد. کاشی در این نشست ابتدا توضیحاتی نظری در مورد گفتمان اصلاح طلبی و سپس دلایلی درباره کم‌جان بودن این گفتمان ارائه و سپس پیشنهاداتی برای نوسازی آن ارائه کرد که در ادامه این گزارش می‌خوانید.

وقتی از گفتمان اصلاحات حرف می‌زنیم در واقع همه ما در یک نکته توافق نظر داریم و آن این که زمانی گفتمان مؤثر و بسج‌کننده در عرصه سیاسی ایران بوده، اما امروز قدرت خود را تا حد فراوانی از دست داده است. منظور من این نیست که این گفتار تماماً مرده است، حداقل انتخابات اخیر نشان داد اینگونه نیست که واقعاً بگویم گفتمان اصلاح طلبی مرده است، اما گفتمانی بسیار کم‌جان است. در واقع مفاهیمی که این گفتمان از آن استفاده می‌کند و هنوز هم کم و بیش به آن اشاره می‌شود، معنای مؤثری در عرصه عمومی ایجاد نمی‌کند و مردم چیز زیادی از آن نمی‌فهمند و نمی‌دانند مفاهیمی مثل دموکراسی، جامعه‌مدنی، توسعه سیاسی امروزه دقیقاً یعنی چه و اهمیت آنها در چیست، اما روزگاری اینگونه نبود؛ پس این گفتار آسیب‌دیده، ضعیف و کم‌جان است. بنابراین یک اتفاق نظر درباره نوسازی این گفتمان وجود دارد.

از سوی دیگر همه ما ضمن اینکه می‌پذیریم این گفتار کم‌جان است و چندان در عرصه سیاسی دلالت‌گری ندارد، اما هم‌زمان همه ما این فرض را داریم که ضروری است این گفتمان احیا، نوسازی و معنی‌دار شود. چرا که نه می‌شود وضع موجود را تحمل کرد و یک حس جمعی داریم که وضع موجود با یک شبیهی به سمت انحلال و سقوط پیش می‌رود و هم‌زمان با گفتار براندازانه نیز هم‌نظر نیستیم که یک راه حل آخرالزمانی برای حل مسائل امروز وجود دارد و ما هیچ کدام نمی‌خواهیم با این انگاره که هرچه شود بهتر از امروز است تن به راه حل آخرالزمانی دهیم. این گفتار اصلاح طلب اگر هنوز معنایی دارد به این دلیل است که بین این دو ورطه ایستاده است. شاید اگر نام دیگری ظهور کند، تمام بساط این گفتمان کم‌جان را جمع کند. بنابراین در این دو مورد دست کم پشت تیر «نوسازی گفتمان اصلاح طلب» این توافق نظرها وجود دارد.



میدان فقیر منازعات اصلاح طلبی

من خودم وابسته به اصلاح طلبان هستم و از پروژه اصلاح طلبان دفاع کرده‌ام و همیشه کنار اصلاح طلبان بوده‌ام اما بر این نکته اصرار دارم که اگر از نوسازی گفتار اصلاح طلبان سخن می‌گوییم، مراد بر این نیست که اصلاح طلبان را از این فشار بیرون بیاوریم و از در حاشیه بودن نجات دهیم. واقعاً اگر گفتار اصلاح طلبان کم‌جان شده و نسل آنها پیر شده، بودن جریان اصلاحات در جمهوری اسلامی مبارک است اما متأسفانه الان این حضور به دوره‌های انتخاباتی محدود شده است. سروصدای اصلاح طلب‌ها موقع انتخابات بلند می‌شود، یکدفعه ظهور می‌کنند، ادعاهایی می‌کنند، گاهی انتقام می‌کنند و گاهی فشار می‌آورند که اجازه دهید به مجلس نماینده بفرستند و در ریاست جمهوری نماینده‌ای داشته باشند. من این میدان را نفی نمی‌کنم و خیلی هم مبارک است اما این میدان و حد و حدودی که اکنون اصلاح طلبان در منازعات سیاسی دارند بسیار فقیر و محدود است. امروز به هزاران دلیل اصلاح طلب‌ها چند شاخه شده‌اند، فقر تئوریک دارند و توان خیلی از کارها را که ۲۰ سال و ۳۰ سال پیش داشتیم دیگر ندارند. اما مقصود من این نیست که برای جریان مشخص اصلاح طلبان که یکی از افراد آن خود من هستم، راهی باز کنیم و آنها را از اینکه در گوشه صحنه سیاسی هستند نجات دهیم. من فکر می‌کنم شاید قدر اصلاح طلبان فقط همین است که در حال انجام آن هستند و شاید مقصود من از نوسازی گفتمان اصلاح طلبان تنها در این است که از کدام سمت حرکت کنیم و ادعای اینکه گفتمانی موجود است و می‌توانم آن را عرضه کنم ندارم. اما در همین حد نشان دادن راه هم، شاید نسل دیگری باید ظاهر شوند که جور دیگری خود و میدان و افق‌ها را تقسیر کنند، باید افراد جوان‌تر و پراورتری تری باشند و تجربه خودمان را در اختیار نسل دیگری که امید داریم ظهور کند بگذاریم و بگوییم شاید از راهی که می‌گوییم بشود به نتیجه رسید.

مباحث نظری پیرامون «گفتمان»

آنچه که امروز از آن حرف می‌زنم کمتر به معنای دقیق و آکادمیک مصداق گفتمان است، شاید بیشتر مصداق ایدئولوژی است و بیشتر از ایدئولوژی نوسازی اصلاح طلبان حرف می‌زنم تا ایدئولوژی نوسازی گفتمان اصلاح طلبی. چرا که «گفتمان» مفهوم انتزاعی‌تری است و اشتباه‌ها در داده‌های سیاسی ایران «ایدئولوژی» در دو سه دهه اخیر به معنی «گفتمان» نامگذاری شده است. بنابراین اگر مواردی را مصداق ایدئولوژی می‌دانم تا گفتمان بر من ایراد نگیرد. اما ایدئولوژی چیست؟ از نظر من ایدئولوژی یک نظم کلامی است که چند ویژگی دارد. اولاً برخاسته از آلام و رنج‌هایی است که مردم به نحو زیرپوستی

در تجربه روزمره خود با آنها مواجه هستند. پیرامون آن رنج یک نظام معارف و نظام ارزش‌گذاری ایجاد و هدف‌گذاری می‌شود و با این کار یک جماعت هم‌بیمان و هم‌بسته ایجاد و یک ایدئولوژی مؤثر و قدرتمند در عرصه سیاسی ایجاد خواهد شد. اما بر مبنای ایدئولوژی‌ها افراد متفاوت و ناهمسان گرد هم جمع می‌شوند و ایدئولوژی آنها را هم‌بسته و همسان می‌سازد و این کار به اعتبار یک هسته شبه‌قدسی شکل می‌گیرد. منظور من از شبه‌قدسی، چیزی، امری و یا ایده‌ای است که به هر دلیل محترم دانسته می‌شود و خدشه به آن را تاب نمی‌آورند. در واقع امر مقدس انگاشته شده‌ای است که یک ایدئولوژی را دارای زور و قدرت می‌کند و افراد را وادار می‌کند که از منافع و قلمروهای خصوصی خود عقب‌نشینی کنند و وارد یک میدان اجتماعی و عمل جمعی و غایت جمعی شوند. برای مثال ناسیونالیسم ایرانی یک امر و غایت شبه‌قدسی دارد و آن ریشه‌های تاریخی فرهنگ ایرانی است: «ایرانیت»، «تاریخ ایران»، «فرهنگ درخشان ایران» یک وجه شبه‌قدسی دارند و انگار بر دوش ما ایرانیان این زمان باری رانده است و ما باید از آن تبعیت کنیم و چهره پاک آن ایرانیت نباید مخدوش شود. در اندیشه اسلامی ما خداوند را داریم و خداوند یک هستی والای استعلائی است که ما، همگان، باید با پرستش او اجتماع سیاسی و خانوادگی خود را بسازیم. ما به احترام او که هستی والا است یکدیگر را محترم می‌شماریم، به هم اعتماد می‌کنیم، خیال می‌کنیم هم‌سرشت شدیم؛ صرفاً به این باور که ستایشگر خداوند هستیم، و جمع مومنان را تشکیل می‌دهیم.

از دست رفتن برخی ایدئولوژی‌های جهانی

از سوی دیگر در گفتار اصلاح طلبان که نظم گفتاری دموکراسی در ایران بعد از انقلاب است، آزادی انسان، خرد مفاهیم استعلائی محترم شمرده شده است که راجع به آنها بحث نمی‌کنیم. اینها اصول مسلمی هستند که اجتماع خود را پیرامون ایمان به آن شکل می‌دهیم. آزادی و خرد دو انگاره رادیکال خرد، اثر روشنگری مدرنیته ایرانی و به‌ویژه اندیشه دموکراسی خواه که اصلاح طلبان نیز در همان مسیر بودند، ایده‌های قدسی آنها را شکل می‌دهد. همه مسئله و بحث امروز من بر سر سنخ این ایده‌های قدسی و محترم شمرده شده است. ادعای بنده این است که از لحظه ورود ما به جهان مدرن تا دهه هفتاد که اصلاح طلب‌ها ظهور کردند، با یک جنسی از گفتمان و ایده‌های محترم و قدسی مواجه بودیم که به‌رغم تفاوت از نظر فرم و صورت‌بندی و ساختار ایدئولوژیک اما شبیه هم هستند. هر چند که روی‌روی هم بودند و خون‌همدیگر را ریختند، اما ساختارهای کم و بیش مشابهی داشتند. اما به تدریج به دلیل تحولات بین‌المللی، تحولات تکنولوژیک، تحولات اقتصادی و... در عرصه جهان امروز که تنها منحصر به ایران نیست، این سنخ از ایدئولوژی‌ها یکبار قدرت و توان خود را از دست داده‌اند. اصلاح طلب‌ها نیز جزو همین ماجرا هستند. یک توفانی شده و یکبار عصر برخی سخن‌ها به پایان رسیده و یا تضعیف شده و به دوران دیگری در حال نزدیک شدن هستیم که باید به روش دیگری به ایدئولوژی، زبان، کلام و سیاست نظر کنیم. بنابراین باید ابتدا ببینیم سنخ اول چه مشخصاتی دارد و تا به امروز در صد و اندی سال چه کارنامه‌ای داشته و باید خودمان را مهبای چه فهم تازه‌ای از گفتمان، ایدئولوژی و سیاست کنیم.

اگر نگاهی به تاریخ ایران داشته باشید، همه نظام‌های ایدئولوژیکی که مؤثر واقع شدند، از ناسیونالیسم دوره مشروطه گرفته که در رضاخان تجلی یافت و در دوره پهلوی ادامه یافت و در جمهوری اسلامی با نظام گفتاری دیگری شکل دیگری پیدا کرد و بعد گفتار اصلاح طلبان دهه هفتاد که به نظر من رادیکال‌ترین گفتار مقابل جمهوری اسلامی بود، همه اینها در این مشخصاتی که می‌گوییم مشترک هستند.

زایش گفتمان

آن چیزی که سرآغاز زایش گفتمان‌ها است، از درون منازعات بالفعل سیاسی آن دوره‌ها بیرون نیامده است، یا فیلسوف‌ها، یا متکلمان، اساتید دانشگاه، متخصصان توسعه و در مجموع افراد اهل تخصص و دانش چه از نوع دانش سنتی و چه از نوع مدرن، حرف‌هایی